

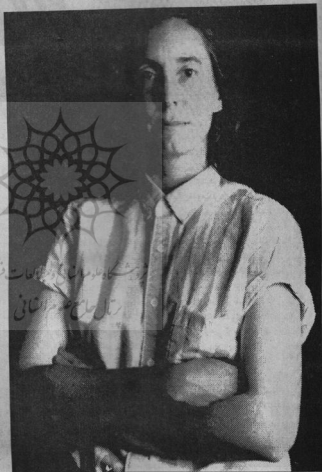
## جنی هولزر

## هنرمند رسانه‌یی

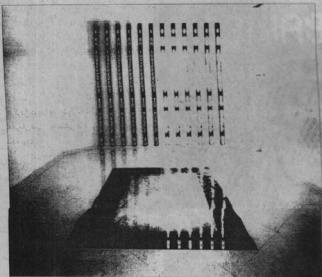
جنی هولزر، یکی از نام‌آورترین هنرمندان امروزی جهان و نامبند هنر آمریکا در بی‌یتال ۱۹۹۰ و نیز، در سال ۱۹۵۰ در ایالت اوهایو آمریکا به دنیا آمد. جنی هولزر از همان کودکی خودش را هنرمند می‌دانست و سرانجام مدرک لیسانس خود را از دانشکده هنر دانشگاه اوهایو دریافت کرد. بعد به دانشکده هنرهای تزئینی رودآیلند رفت و در ۱۹۷۷، پس از فارغ‌التحصیل شدن از این دانشگاه رهی نیویورک شد تا در پروژه مطالعاتی و

مستقل موزه ویتنی نامتوبسی کند. هولزر از نوجوانی نقاشی می‌کرد و بیشتر به نقاشی انتزاعی تعلق خاطر داشت اما در موزه ویتنی با یک سلسله کتاب‌هایی آشنا شد که خودش آن‌ها را «کتاب‌های بزرگ» می‌نامد. این آشنایی سبب شد تا نقاشی را یکسره کنار بگذارد و به نویسندگی روی آورد. می‌خواست چکیده و عصاره این کتاب‌ها را در یکسلسله عبارات کوتاه و موجز گردآورد و به‌یاری آن‌ها گرایش و هم‌دلی‌اش را به مردم را نمایش دهد. کلمات قصار او از جملات بدیهی و مادی گرفته تا تخیلی‌گویی‌ها و متون تعجب‌انگیزی را دربر می‌گرفت که گویی نامحال تلفظ‌نشده و به‌صدا درنیامده‌اند. مضامینی که به آن‌ها اشاره می‌کرد نیز گستره برداشته‌ای داشت و از واقعیت‌های فیزیکی و علمی گرفته تا روابط اجتماعی و عاطفی مردم را پیش روی آن‌ها می‌گذاشت. گویی هر واژه و مضمونی که به کار می‌برد اهمیت همسان واژگان دیگر می‌یافت و با کنار او جفت‌وجور می‌شد. اگرچه گه‌گاه در تناقض و در درد و اندکاز یک‌دیگر به‌منظر می‌آمدند. این کار اساس و پایهٔ هدیه‌بسته او را شکل داد و به‌شماره‌هایی انجامید که از آثار سعدی او سربرآورد، او بیانیها و شمارهای برانگیزنده‌یی مانند بول، سلیقه می‌آورده و ضربه استفاده از قدرت، حیرتی برنی‌انگیزده را به‌مشکلی خنثی بیان می‌کرد. آن‌ها را روی کاغذ معمولی با حروف چاپی سیاه می‌آورد و بی‌هیچ شرح و توصیف اضافی همین مردم بخش می‌کرد و یا آن‌ها را که گه‌گاه در تناقض با یک‌دیگر هم بودند روی دیوارهای محلهٔ سوهو می‌چسباند. بعد برای آن‌که آب‌وتاب و تأثیرات پیام‌هایش را بیشتر کند، اندازهٔ کاغذها را بزرگ‌تر گرفت و بر دیوار شهر نیویورک چسباند. هولزر چنان که گویی از تعارض افکار و اندیشه‌های خود خبر ندارد، فقط به تراوش و تسری پیام‌های اجتماعی خود می‌اندیشید و می‌خواست آن‌ها را به تناسب مورد بیان کند. هولزر دلیل کنار گذاشتن نقاشی را این‌طور بیان می‌کند: «هنرمند شدن و به‌دلایل سیاسی و زیبایی‌شناختی، نقاشی کردن را کنار گذاشتم. دلیل سیاسی آن بود که با نوشتن می‌شد موضع و منظر سیاسی روشن و صریح اتخاذ کرد و مسایل داغ و برانگیزنده را آسان‌تر گفت و نشان داد که چرا به آن پرداخته شده است. می‌شد گفت که چه چیز درست

علی اصغر قره‌باغی





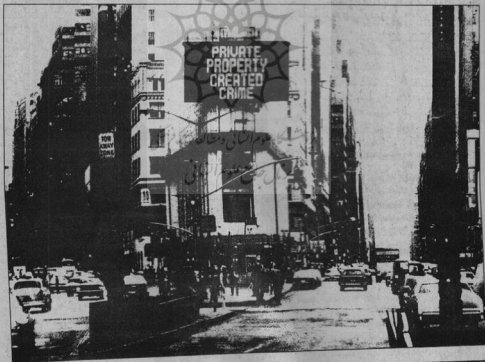


اتری که از جنی هولزر در غرفه آمریکا در بی‌ینال ونیز به‌نمایش گذاشته شد

اشاره‌ها ال فاستر به‌متناقض‌گویی‌های گاه‌گاهی هولزر است چراکه یکجا آورده است که کودکان از همه بی‌رحم‌تر هستند و در جای دیگر می‌گوید: «کودکان امید آینده‌اند یکجا شمار داده است که «کار همگان از اهمیت هسان برخوردار است» و جای دیگر آورده است که مردم استثنایی شایستگی امتیازات خاص را دارند» یکی دیگر از گامتی‌های هنر هولزر آن است که در برخی از کارهایش، هر صدا در چندگانگی صداها و جاه‌جایی زبان هم‌گوهر می‌شود. هولزر می‌گوید: «تفاوت صد من هم نشان دادن تأثیرات همین بدیهیات و تناقض‌هایی است که یکی بعد از دیگری در زندگی روزمره بر سر مردم آوار می‌شود و خودنمایی می‌کند» می‌خواهم ابتلال و مسخره بودن این بدیهیات را نمایش دهم. هدف من از شروع کردن با بدیهیات و بعد پیرداختن به‌مضامین دیگر آن بود که بتوانم به‌مضمون‌های گس‌وناگون سردارزم و بدیهیات متناسب‌ترین قالب را برای این‌کار فراهم می‌آورد. بعد از بدیهیات بود که توانستم به‌یک‌مسئله گفتارهای «ناغ» هم سرورسامان بدهم؛ به‌هرحال، زمینه و بستر مناسب را بدیهیات فراهم آورده

جنی هولزر در این اواخر بیشتر از تابلوهای الکترونیک و بسیل‌بوردهای بزرگ استفاده می‌کند

جنی هولزر: مالکیت خصوصی جنایت بار آورد، تائم اسکویپر، نیویورک، ۱۹۸۲





یکی از آثار جنی هولزر در غرفه آمریکا در بی‌نیل ویز



می‌گوید: «روی آوردن من به تابلوهای الکترونیک به قصد ایجاد ارتباط با مخاطبان عام‌تر و گسترده‌تر است. این تابلوها با پوستر فرق و فاصله بسیار دارد، پوستر با آن‌که می‌تواند به تعداد زیاد تکثیر و بعداً دوباره نصب شود، گمراهی تابلو الکترونیک را ندارد. تابلو یک رسانهٔ دیگر است، حافظه‌ی گسترده دارد، می‌توان چندین پیام را یکی بعد از دیگری روی آن آورد و از آن‌جا که نورانی و فرخشان است، توجه رهگذران را به‌خود جلب می‌کند؛ تکانی که به‌مردم می‌دهد ارزشمند است و آن‌ها را به توقف و تأمل وامی‌دارد. همیشه از این تابلوها برای تبلیغات استفاده شده است و حالا وقتی مردم یک پیام اجتماعی را روی آن ببینند تکان می‌خورند و آن را زیاد نمی‌پسند. این دستگاه معمولی می‌تواند کارایی بسیار داشته باشد؛ یکی از امتیازهای اصلی کار جنی هولزر آن است که در پیام‌های الکترونیک خود از اشارات و تلویحانی استفاده می‌کند که سرشار از معانی و تعبیر کنایی است. بر یکی از تابلوهایش آمده است که: «مسئله کردن بر اضطراب بیشتر از فکس کردن باز می‌آورد» و بر تابلویی دیگر با لحنی استفهامی آورده است که: «ما زن در برابر خواسته‌هایم حمایت کن» هولزر در پاسخ جنی سیگل که از او می‌پرسد: «چگونه شش‌مایل شکل مبتذل آرایهٔ هنر نیست؟» پاسخ می‌دهد: «چرا، اما بهترین نوع ابتذال است. من در چند سال اخیر کارهایم را در گالری‌ها و موزه‌ها به‌نمایش گذاشتم اما هدف اصلی من کارهای اجتماعی است. اصلاً کار من برای آن‌که در جریان زندگی عادی و روزمره مردم دیده شود طراحی شده است. فکر می‌کنم بهترین تأثیر وقتی پدید می‌آید که رهگذری که به‌جیبی دیگر فکر می‌کند، یک‌باره با تابلو و پیام نامنتظر من روبه‌رو شود، جنی هولزر درجایی دیگر می‌گوید: «می‌خواهم هنری به‌نمایش آورم که ادراک آن برای همگان منبسط

یافته از تلویزیون و تبلیغات بنظر می‌آید، با روزگار و زمانهٔ خود بود و در مناسب‌ترین مکان ممکن، نصب شده بود.» هولزر هم مانند کرسنو و بسیاری دیگر از هنرمندان امروز که برای اجرای پروژه‌های خود افراد و مؤسسات را به‌جهت می‌گوانند، گاهی پیش‌کش گروهی کاری می‌کند. شبیهٔ تازه‌ی که هولزر در سال‌های اخیر برای آرایهٔ پیام خود پیدا کرده، نمایش آن از طریق ویدئو و تلویزیون در خیابان‌هاست.

## پانویس‌ها:

Light-Emitting-Diode (LED) 1

Grace. Glueck, "And Now, a Few Words From My Jenny Holzer" 1989

2. اثر تر و 12 سپتامبر 1989 11 فوریه 1990 به‌نمایش گذاشته شد.

- منابع:
- "Art Talk", ed. Jeanne Siegel, Da Capo, New York, 1988
  - Archer, Michael, "Art Since 1960", Thames and Hudson, London 1997
  - "Art After Modernism", ed. Brian Wallis, Godin, Boston, 1996
  - Chadwick, Whitney, "Women, Art and Society", Thames and Hudson, London, 1990
  - Grenz, Stanley, "A Primer in Postmodernism", Cambridge, 1996
  - Heller, Nancy G. "Women Artists", Abbeville Press, New York, 1967
  - "Postmodern Thought", ed. Stuart Sim, Icon Books, London 1999
  - Wheale Nigel, "Postmodern Arts", Routledge, London, 1995